

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیّه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

## عاشورا روز حزن همه‌ی عالم وجود

کلمات کلیدی: عاشورا، تجلی امام حسین علیه السلام، حزن، تأثیر تکوینی، عالم وجود، تأسّف و رضایت و غضب خداوند، تأثیر عالم از حالات ولیّ خدا، غم و مصیبت کربلا، باطن عالم.

🌸 در دهه‌ی اوّل محرّم تجلی امام حسین علیه السلام عالم را عوض می‌کند. در شب تاسوعا و عاشورا اگر کسی چشم باطنش بینا باشد، می‌بیند که در عالم هر مؤمن و کافری محزون است. وقتی صاحب خلقت محزون می‌شود، مخلوقات غمناک نشوند؟ آیا ممکن است همه‌ی شیعیان مضطر باشند و دیگران محزون نشوند؟ اهل دنیا هم در این ایّام در امر دنیایشان به زحمت می‌افتند و در اثر آن محزون می‌شوند.<sup>۱</sup>

این یک حقیقت بزرگ است که با دیده‌ی باطن بین می‌شود آن را در عالم دید؛ یعنی تجلی امام حسین علیه السلام یک دگرگونی در تکوین ایجاد می‌کند. فقط جنبه‌ی تشریحی و خودآگاه انسان‌های مؤمن نیست. این حادثه‌ی عظیم یک تأثیر عظیم تکوینی در عالم وجود دارد و آن تأثیر تکوینی بر همه‌ی افلاک سایه می‌اندازد. تنها ناظر بر انسان‌های مؤمن نیست؛ همه‌ی موجودات از جمادات و گیاهان و حیوانات و جنّ و ملک، همه از آثار تکوینی تجلی امام حسین علیه السلام در دهه‌ی اوّل محرّم و به‌ویژه در

۱. مهدی‌طیب، مصباح‌الهدی، ص ۳۰۳.

تاسوعا و عاشورای حسینی علیه السلام متأثرند؛ غمی همه‌ی عالم را می‌گیرد. همان‌طور که در این عبارت اشاره شد حتی اهل دنیا هم برای دنیایشان غصه‌دار می‌شوند؛ مثلاً در یک معامله ضرر می‌کند، ماشینش را دزد می‌برد، تصادف می‌کند، مریض می‌شود، گرسنه می‌ماند، لطمه‌ی حیثیتی می‌خورد، شغلش را از دست می‌دهد... اهل دنیا هم آن روزها اوقاتشان برای دنیایشان تلخ است. خودشان نمی‌دانند چرا؛ مال آن تأثیر تکوینی است. فرمود: **وقتی صاحب خلقت محزون می‌شود، مخلوقات غمناک نشوند؟!**

البته این تعبیر محزون شدن تعبیری است که با عبارات بشری آن را به کار می‌بریم؛ والاّ خدای متعال که از تأثرات و تغییرات مبرا است! منتها ما در مورد خدا هم می‌گوییم خدا خشنود شد، خدا غضبناک شد، مثلاً قرآن فرمود: خدا اندوهناک شد؛ اسفناک شد. **فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ**<sup>۲</sup> وقتی که فرعونیان ما را اندوهگین و اسفناک کردند، از آنها انتقام گرفتیم و همه را در رود نیل غرق کردیم. تعبیر تأسّف در خود قرآن برای خدا به کار رفته است. یا در روایات تعبیری داریم، مثلاً خدا می‌گوید: من حیا می‌کنم! **اِسْتَحْيَيْتُ!** چنین تعبیری راجع به خدای متعال، هم در قرآن کریم هم در احادیث معصومین علیهم السلام وجود دارد؛ ولی به این معنا نیست که خدای متعال متأثر شده است. خدای متعال تأثرپذیر نیست که یک‌وقت عصبانی شود، یک‌وقت خوشحال یا متأسّف شود، راضی یا ناراضی شود!

روایتی از امام صادق علیه السلام ذیل همین آیه‌ی مورد بحث آمده است که معنای **فَلَمَّا آسَفُونَا** و تعبیر دیگری مثل محزون شدن و اندوهگین شدن، خشمگین شدن، راضی و خشنود شدن، خوشحال شدن و امثال اینها را روشن می‌کند. به این روایت توجه کنید تا معنای درست این تعبیر که صاحب خلقت

---

۲. سوره‌ی زخرف، آیه‌ی ۵۵.

یعنی خدا به خاطر مصائب ابا عبدالله الحسین محزون می‌شود، پیدا شود. بنا به نقل، امام صادق علیه السلام فرمودند: <sup>۳</sup> **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَأْسَفُ كَأْسَفِنَا وَ لَكِنَّهُ خَلَقَ أَوْلِيَاءَ لِنَفْسِهِ يَأْسَفُونَ وَ يَرْضُونَ وَ هُمْ مَخْلُوقُونَ مَرْبُوبُونَ:** خدای تبارک و تعالی مثل ما متأسف و اندوهگین نمی‌شود؛ ولكن خدای متعال اولیائی برای خویش خلق کرده که آنها متأسف می‌شوند یا راضی و خشنود می‌شوند و آنها مخلوق و مربوب هستند.

**فَجَعَلَ رِضَاهُمْ رِضَا نَفْسِهِ وَ سَخَطَهُمْ سَخَطَ نَفْسِهِ وَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ جَعَلَهُمُ الدُّعَاةَ إِلَيْهِ وَ الْأَدِلَّةَ عَلَيْهِ فَلِذَلِكَ صَارُوا كَذَلِكَ:** و خدای متعال رضایت آن اولیاء را رضایت خویش و خشم و نارضایی آنها را خشم خویش قرار داده و این بدین خاطر است که خدای متعال آنها را دعوت‌کنندگان به سوی خویش و راهنمایان به سمت خویش قرار داده و به این خاطر است که این اولیاء چنین موقعیتی پیدا کرده‌اند که تأسفشان تأسف خداست، رضایتشان رضایت خدا و نارضایی و خشمشان، خشم و نارضایی خداست. **وَ لَيْسَ أَنَّ ذَلِكَ يَصِلُ إِلَى اللَّهِ كَمَا يَصِلُ إِلَى خَلْقِهِ وَ لَكِنْ هَذَا مَعْنَى مَا قَالَ مِنْ ذَلِكَ:** این گونه نیست که این حالات مثل تأسف و خوشحالی و غضب همان‌گونه که به خلق می‌رسد به خدا هم برسد و در خدا چنین حالاتی ایجاد شود، ولیکن معنای آنچه خدا فرمود که خدا ناراحت شد و از قوم فرعون انتقام گرفت، ناراحت شدن ولی خداست. **وَ قَدْ قَالَ: مَنْ أَهَانَ لِي وَ لِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَ دَعَانِي إِلَيْهَا:** خدای متعال در حدیث قدسی فرمود: کسی که به یکی از اولیاء من توهین کند به مبارزه و محاربه‌ی با من بیرون آمده و مرا به جنگ با خویش دعوت کرده است؛ جنگ با ولی خدا همان جنگ با خداست. **وَ قَالَ «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»<sup>۴</sup> وَ قَالَ «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»<sup>۵</sup>:** در خود قرآن فرمود:

---

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۴۴؛ صدوق، توحید، ص ۱۶۸، معانی‌الخبار، ص ۱۹؛ بحرانی، برهان، ج ۴، ص ۸۷۵ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، ص ۶۵.

۴. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۸۰.

۵. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۱۰.

«هرکس از رسول اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است.» پس اطاعت از خدا همان اطاعت از رسول است. جای دیگری هم خدا در قرآن فرمود: «ای پیغمبر اسلام! کسانی که در بیعت شجره (بیعت رضوان) با تو بیعت می‌کنند، با خدا بیعت می‌کنند و دست خدا بالای دست آنهاست.» پس دست پیغمبر ﷺ که بالای دست آنها قرار گرفت، یدالله شد! پس یدالله یعنی دست ولیّ خدا؛ بیعت با ولیّ خدا بیعت با خداست. «إِنَّ الدِّينَ يُبَاعُونَكَ إِنَّمَا يُبَاعُونَ اللَّهَ» ای رسول الله! کسانی که با تو بیعت می‌کنند جز این نیست که با الله بیعت می‌کنند. فِكْلُ هَذَا وَ شَبْهُهُ عَلَى مَا ذَكَرْتُ لَكَ وَ هَكَذَا الرِّضَا وَ الْعُضْبُ وَ غَيْرُهُمَا مِنَ الْأَشْيَاءِ مِمَّا يُشَاكِلُ ذَلِكَ: همه‌ی این موارد که من (امام صادق) گفتم و مشابه این موارد بر همین قاعده است؛ همین‌طور رضایتمندی و غضبناک بودن و غیر این دو، از سایر خصوصیات دیگری که شبیه این است. رضایت ولیّ خداست که خدا فرمود رضایت من است؛ غضب ولیّ خداست که فرمود غضب من است. وَ لَوْ كَانَ يَصِلُ إِلَى اللَّهِ الْأَسْفُ وَ الضَّجْرُ وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَهُمَا وَ أَنْشَأَهُمَا لَجَازَ لِقَائِلِ هَذَا أَنْ يَقُولَ إِنَّ الْخَالِقَ يَبِيدُ يَوْمًا: اگر این تحولات و تغییرات روحی مثل رضا و غضب و سخط به خدا می‌رسید، اگر تأسّف و زجر و ملالت و اندوهگین شدن به خدا می‌رسید و بر خدا عارض می‌شد، در حالی که این صفات، مخلوق خدا هستند، برای گوینده‌ی این سخن جایز بود که بگوید خالق هم روزی از بین خواهد رفت. (چون کسی که تغییرات بر او عارض می‌شود در معرض زوال و نابودی است.) مَا لِأَنَّهُ إِذَا دَخَلَهُ الْعُضْبُ وَ الضَّجْرُ دَخَلَهُ التَّغْيِيرُ وَ إِذَا دَخَلَهُ التَّغْيِيرُ لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِ الْإِبَادَةُ: به این خاطر که وقتی غضب و ملالت و رنجش و اندوهگین شدن بر خدا وارد می‌شد در آن صورت تغییر بر خدا وارد می‌شد، و وقتی تغییر بر خدا عارض می‌شد، دیگر خدا از نابود شدن و از بین رفتن در امان نبود. (چون از بین رفتن هم یک تغییر است؛ یک چیزی هست، فردا نیست؛ در حالی که خدا لایتنغیر است.) ثُمَّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُكُونُ مِنَ الْمُكُونِ وَ لَا الْقَادِرُ مِنَ الْمَقْدُورِ عَلَيْهِ وَ لَا الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِ: و اگر این‌گونه می‌شد، دیگر

ایجادکننده از ایجادشونده قابل تمیز نبود. اگر این تغییرات بر هر دو عارض بود، قادر بر مقدورعلیه هیچ رجحانی نداشت و هر دو در معرض نابودی و تغییر بودند و خالق از مخلوق قابل تمیز نبود.

**تَعَالَى اللَّهُ عَنِ هَذَا الْقَوْلِ عُلُوًّا كَبِيرًا بَلْ هُوَ الْخَالِقُ لِلْأَشْيَاءِ لَا لِحَاجَةٍ؛ فَإِذَا كَانَ لَا لِحَاجَةَ اسْتَحَالَ الْحَدُّ وَالْكَيفُ فِيهِ فَافْهَمُ إِنَّ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى:** خدای متعال از چنین سخنی بسیار برتر است. ساحت قدس الهی از این تغییرات و از بین رفتن‌ها و متأثر شدن‌ها و از اینکه حالات مختلف روحی به او دست دهد، بسیار دور است؛ بلکه خدا خالق چیزهاست؛ بدون اینکه احتیاجی به آنها داشته باشد؛ و از جمله‌ی چیزها همین حالات روحی مثل غضب و سخط و شادی و اسف و حیاء و امثال اینهاست. وقتی خلقت بدون نیاز صورت گرفته، محدود بودن و کیفیت پیدا کردن، بر خدا محال می‌شود. (محال است که خدا یک روز عصبانی باشد و یک روز خوشحال؛ یک روز راضی شود و یک روز ناراضی؛ یک روز اندوهگین شود و یک روز شادمان! محال است اینها به ساحت الهی راه پیدا کند.) پس به مشیت الهی این مطلب را بفهم.

بنابراین فهمیدیم که جایز است این تعبیر راجع به خدا به کار رود؛ چون در خود قرآن به کار رفته؛ در روایات و احادیث به کار رفته؛ خود خدا در آیات قرآن و احادیث قدسی این خصوصیات را به خودش نسبت داده است. پس اینکه فرمود وقتی صاحب خلقت محزون می‌شود، چطور مخلوقات غمناک نشوند، حرف کفرآمیزی نیست. بله صاحب خلقت محزون می‌شود؛ البته با همان تعبیری که در روایات آمده است.

حالا وقتی این اتفاق می‌افتد، همه‌ی عالم متأثر می‌شود؛ چون همه‌ی عالم متأثر از شعاع وجود ولیّ اعظم خداست و وقتی ولیّ اعظم خدا متأثر است، همه‌ی عالم وجود متأثر است. وقتی قلب حجّت خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ غمگین است، می‌شود غم عالم را نگرفته باشد؟! لذا در روایات داریم که شب یازدهم محرم

بعد از شهادت شهدای کربلا، هر سنگی را از زمین برمی داشتند زیرش خون جاری می شد. اینها همان تأثیر تکوینی است. به هر حال آن ایام، ایام حزن است. حزن از باطن عالم می جوشد. ضمن اینکه دوستان اهل بیت علیهم السلام در خودآگاهشان هم یک حزن بسیار مقدس و عظیم دارند؛ غیر از آن حزن تکوینی؛ و این دو مکمل همدیگر هستند. در روایات داریم که: **إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ [لَا يَبْرُدُ] أَبَدًا**؛<sup>۶</sup> در اثر شهادت امام حسین علیه السلام حرارتی در قلوب مؤمنین هست که ابداً خنکی نمی گیرد و سرد نمی شود.

**صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ<sup>۷</sup>**

---

۶. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۷. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۵؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۳ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۱.